

درمان نوزادان و کودکان به او چهره مهربان و دل صافی داده است که توان دیدن رنج دیگران را ندارد. دکتر حسن بسکابادی، فوق تخصص نوزادان و جزو دانشمندان یک درصد برتر جهان در دانشگاه علوم پزشکی مشهد است که در این تجمع حضور دارد؛ او حس و حالش را با اشک بیان می‌کند؛ ما به عنوان پزشک با نوزادان نارس بسیاری سروکار داریم که تلاش می‌کنیم نفس بکشند و زنده بمانند؛ باوجوداین دیدن صحنه‌های جان دادن کودکان و نوزادان در غزه برایمان قابل تحمل نیست. اینجاست که باید گفت ننگت باد انسانیت و ننگت باد بشریت! چه کسی باور می‌کند که بشریت به این حد از قساوت قلب رسیده باشد؟ او در ادامه می‌گوید: یعنی بشریت به حدی رسیده است که این شرایط را ایجاد و تحمل کند و اجازه ندهد انسانی نفس بکشد؟ کاری رایکنند که با حیوان هم نمی‌توانیم بکنیم؟ چطور انسان‌ها به خصوص مسلمانان جهان، این صحنه‌های تلخ را مشاهده می‌کنند و هیچ اقدامی انجام نمی‌دهند؟ این صحنه‌های زجرآور برای ما قابل تحمل نیست.

بخش دیگر سخنانش را بریده بریده و با بیض و اشک بیان می‌کند؛ ما که جزو کادر درمان هستیم، بیشتر دلمان می‌سوزد. صحنه‌های دلخراشی را در ۲۲ ماه گذشته دیدیم اما این چندروز، اوج آن را شاهد بودیم. به دین و اسلام اگر کاری نداشته باشیم، گرسنه نگهداشتن کودک مظلوم و بی‌دفاع کجای ذات بشریت است؟



جاوید کیانی، معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد، نیز در حاشیه این تجمع اعتراضی درباره فجایی که این روزها در غزه در حال وقوع است، می‌گوید: جامعه جهانی در برابر قحطی و تحریمی که رژیم منحوس صهیونیستی برای مردم مظلوم غزه به وجود آورده، سکوت کرده و این تجمع، اعتراضی به آن سکوت است. امیدواریم این اقدام به پویشی جهانی برای حمایت از مردم غزه تبدیل شود و کادر درمان در دیگر شهرها و کشورهای دنیا نیز به این حرکت بپیوندند.

او ادامه می‌دهد: ما همه جنایت‌های ضدبشری رژیم صهیونیستی را محکوم و به جهانیان اعلام می‌کنیم که مردم ایران اسلامی در کنار مردم مظلوم غزه خواهند بود.

قساوت قلب بشریت

قساوت قلب بشریت

دکتر محسن ذاکریان، رئیس بسیج جامعه پزشکی استان، درمیان تکاپو برای برگزاری تجمع، از علت این جوش و خروش می‌گوید: «کمتر از دو روز است که پزشکان، پرستاران و همکاران ما در غزه ویدئویی منتشر کرده و خطر فاجعه انسانی به خاطر دسترسی نداشتن به غذا، آب، دارو و کشتار کودکان، زنان و افراد بی‌گناه را اعلام کرده‌اند.» او از آمادگی کادر درمان برای همراهی و کمک به مظلومان غزه می‌گوید و اضافه می‌کند: از آنجاکه کادر درمان غزه، توان ادامه شرایط را ندارند، امروز جامعه پزشکان، پرستاران و کادر درمان گرد هم آمدند تا بگویند ما در کنار مردم غزه و آماده کمک به آنان هستیم.

او همچنین تأکید می‌کند: آغازگر این خشم مقدس و این تجمع اعتراضی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود. ما می‌خواهیم این حرکت اعتراضی و خشم الهی را به همه مردم عزیز، انقلابی و مقاوم مشهد تسری بدهیم.

آماده اعزام به غزه ایم

آماده اعزام به غزه ایم

هنوز چند دقیقه‌ای به ۸ صبح مانده اما میدان شهیدمنفرد بیمارستان امام‌رضا^ع، برای حضور کادر درمان آماده است. آفتاب همان دقائق ابتدایی روز سوزان است اما سفیدپوشانی که قرار آمدن داشتند، رسیده‌اند. از دکتر محمود محمدزاده شیبستری، ریاست دانشگاه علوم پزشکی مشهد گرفته تا پزشکان، پرستاران، کادر خدمات و دانشگاه آزاد اسلامی و خلاصه هرکه پیام تجمع را شنیده یا پیامک را دریافت کرده است. روی پلاکاردهایشان، شعارهایی نوشته‌اند با این مضامین: «آب و غذا حق است نه ابزار جنگ»، «غزه، آینه وجدان خفته جهان!»، «غزه دارد از گرسنگی کشته می‌شود»، «گرسنگی تحمیلی = مرگ تدریجی»، «گرسنگی سلاح نیست، جنایت علیه بشریت است». به تدریج که تعدادشان بیشتر می‌شود، پلاکاردها را دست می‌گیرند و می‌ایستند جلو ساختمان بیمارستان، روبه‌روی میدان. همان میدان شهیدمنفرد که روایت حمله وحشیانه به بخش نوزادان بیمارستان را در ذهنشان تداعی می‌کند.

مراسم با سخنرانی و شرح اعتراض آغاز می‌شود و در ادامه، دکتر محسن نعمتی، متخصص تغذیه و دکتر محمدرضا صابری، استاد دانشکده داروسازی، متن سخنرانی خود در اعتراض به وضعیت فاجعه‌بار غزه را به زبان انگلیسی قرائت می‌کنند. فریادهای «سکوت هرمسلمان خیانت است به قرآن»، «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر آمریکا» با همراهی مشت‌های کوبنده و گره‌خورده بلند می‌شود.

قرار در ساعت ۸ صبح

قرار در ساعت ۸ صبح

سوء تغذیه شدید، بیهوشی در پی گرسنگی، بیماری و مرگ دردناک، مرگ کودکان و غیرنظامیان. این‌ها حال و روز این روزهای مردم غزه است. بیشتر شبیه فیلم‌های آخرالزمانی است تا واقعیت. هر لحظه منتظر امدادرسانی و پایان این تلخی‌های استخوان‌سوز هستیم اما انگار دنیا فقط در حال تماشا است. شاید هم چشم‌هایشان آن قدر کشته و آواره دیده که این تصاویر برایشان عین روزمرگی است. وزارت بهداشت فلسطین، وضعیت کنونی را در نوار غزه «فاجعه‌بار» توصیف کرده است؛ شهادت ۱۱۵ نفر بر اثر گرسنگی و ۲ میلیون نفری که با سوء تغذیه دست‌وپنجه نرم می‌کنند، یعنی همان وضعیتی که نامش را فاجعه انسانی گذاشته‌اند. وضعیتی که حتی پزشکان و پرستاران هم در آن از گرسنگی رنج می‌برند و بیهوش می‌شوند. پاسخ کادر درمان و جامعه دانشگاهی مشهد به این تصاویر، تجمع اعتراض‌آمیزی با عنوان «فریاد انسانیت» است و فریادهایی که شاید گوش‌های ناشنوای جهان بشنود و انسانیت را بیدار کند. وقتی سخن از جان و جان‌بخشیدن به میان می‌آید، چه کسانی بهتر از پزشکان و پرستارانی که هر روز با جان سروکار دارند.



کادر درمان مشهد در حمایت از مردم مظلوم غزه و در اعتراض به قتل عام مردم به‌وسیله قحطی تحمیلی تجمع کردند

فریاد علیه فاجعه انسانی

تجمع‌کنندگان به شعارهایی که می‌دهند، اعتقاد را سخ دارند و امیدوارند این اعتراضات به گوش همه جهانیان برسد و آنان را همراه کند.

دکتر شادکام، داروساز درواخانه بیمارستان امام‌رضا^ع است. او نیز در محکومیت این نسل‌کشی می‌گوید: تفاوتی نمی‌کند که چه مدرک تخصصی یا شغلی داشته باشید؛ همین که تحمل دیدن این رنج‌ها و شنیدن درد انسان‌های دیگر را نداشته باشید، یعنی هنوز ذره‌ای از انسانیت باقی مانده است. حرف ما این است که اگر جنگی هم دارید، با خودتان و نظامیان و سیاسیون باشد، نه با مردم عادی و زنان و بچه‌ها. این همه سازمان بین‌المللی حمایت از کودکان داریم اما هیچ واکنشی به این جنایات نشان نمی‌دهند. نه میانجیگری می‌کنند، نه محکومیت. به گفته او آن قدر باید به اعتراضات ادامه داد که فشار جهانی، ستمگران را خسته و از ظلم منصرف کند. شادکام می‌گوید: ما که در بیمارستان خدمت می‌کنیم، می‌دانیم گرسنه نگهداشتن یک کودک چقدر بی‌رحمی است. بیهوش شدن یک زن یا کودک یا کادر درمان یعنی چه. ما به همه این‌ها اعتراض داریم و سکوت نمی‌کنیم. شاید به‌زودی همه این ستمگری‌ها تمام شود و زندگی مردم فلسطین شکل عادی به خودش بگیرد.

سکوت نمی‌کنیم

سکوت نمی‌کنیم

تعداد زیادی از تجمع‌کنندگان، پرستاران و کادر درمان هستند که با تمام وجود درد انسان‌ها را دیده‌اند و درک می‌کنند. آنان که شب و روز کنار بالین بیمار هستند، محال است در کشیدن دیگری را نبینند. و به آن توجهی نکنند. خدیجه ثانی، پرستار بیمارستان، می‌گوید: اگر من اینجا به درد بیماری رسیدگی می‌کنم، تنها پرستار این بخش و این بیمارستان نیستم؛ من باید بپذیرم که هر جاردی هست، من آن را درک می‌کنم. این یک مسئولیت انسانی است. اگر ما به عنوان کادر درمان به فاجعه انسانی که در غزه رخ می‌دهد اعتراضی نکنیم، انسانیت زیر سؤال خواهد رفت. او ادامه می‌دهد: قبل از هر چیز، جان انسان در اولویت است و ما می‌خواهیم بایستادن در اینجا همین‌را به سیاستمداران یادآوری کنیم.

درد غزه را درک می‌کنیم

درد غزه را درک می‌کنیم

دکتر محمدرضا صابری هم که شعارهای اعتراضی در محکومیت ظلم و تجاوز را با صدای بلند فریاد می‌زند، می‌گوید: هرکس قلبی در سینه دارد، امروز آرام نمی‌گیرد. وقتی در دنیای پیشرفته و متمدن امروز می‌بینیم چطور به آسانی زن‌ها، کودکان و سالمندان را در اثر تحمیل گرسنگی به کام مرگ می‌کشاند، هیچ دلی آرام نمی‌گیرد.

او یادآور می‌شود: این تجمع فریادی است که بگوییم ای دل‌های مرده! متوجه باشید که ما روزی نزد خدای متعال شهادت خواهیم داد. اما امروز اینجا جمع شده‌ایم که یادآوری کنیم هنوز دل‌های برخی از اهل عالم نمرده است و برای انسان‌های بی‌گناه می‌تپد. ما جمع شده‌ایم که به عنوان بخشی از یک نبوی بزرگ ضد صهیونیستی اعلام کنیم درست است که راه زمین و کمک مستقیم به غزه بسته شده ولی خدایا تو شاهدهی که دل‌های ما نمرده است و زبان‌های ما بند نیامده و در حد توان خودمان ساکت ننشسته‌ایم. اگر تو دست ما را باز کنی، از جانمان و مالمان برای زنده ماندن انسانیت‌نثار می‌کنیم، در غیر این صورت برای ابد، انسان‌های این دوره از تاریخ پخشیده نخواهند شد.

دل‌های ما نمرده

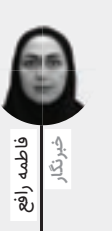
دل‌های ما نمرده

مرز بین زندگی و مرگ آن قدر باریک شده است که مردم غزه حتی برای مردن هم حق انتخاب ندارند. آن‌ها نه در جنگ، که در محاصره‌ای برنامه‌ریزی شده، ذره‌ذره محو می‌شوند. کودکان غزه، قربانیان بی‌گناهی هستند که حتی نمی‌دانند چرا باید رنج گرسنگی را تحمل کنند. آن‌ها هنوز به اندازه‌ای بزرگ نشده‌اند که مفهوم «محاصره» را بفهمند، اما بدن‌های نحیفشان گواهی می‌دهد که جهان چه بر سرشان آورده است. سکوت بین‌المللی در برابر این فاجعه، گناهی نابخشودنی است. غزه تنها یک سرزمین نیست، غزه آزمونی است برای انسانیت. اگر امروز کاری نشود، فردا بسیار دیر خواهد بود. وقت تنگ است، اما امید هنوز زنده است. باید فریاد زد، باید ایستاد، باید غزه را نجات داد. پیش از آنکه دیگر هیچ صدایی از غزه به گوش نرسد.

دیگر، جهانی آخرالزمانی را به تصویر می‌کشد که هیچ وجدان بیداری، تاب دیدنش را ندارد. مگر می‌شود تصویر آن دختر بچه حدوداً پنج‌ساله را دید که در کنار چادر آوارگان، از گرسنگی خاک و شن می‌خورد، اما بی تفاوت بود؟ مگر می‌توان به تصویر محمد المعتوق، آن کودک یک‌سال و نیمه خیره شد و زنده ماند؟ استخوان‌های ستون فقراتش، چون تیغه‌های تیز فراموشی، از پوست تب‌دارش بیرون زده است؛ چشمانش، که باید دنیا را می‌شناختند، اکنون از گرسنگی، حتی قدرت تشخیص مادرش را هم ندارند؛ سوء تغذیه او را به زوال شدید مغزی دچار کرده است. آمارهای رسمی حکایت از آن دارد که در باریکه غزه از هر پنج کودک، یکی مبتلا به سوء تغذیه است. غزه دیگر نه یک جغرافیا، که زخمی باز بر بیکر بشریت است؛ زخمی که هر لحظه عمیق‌تر می‌شود. اینجا،

که دیگر هرگز به آغوش مادرش بازمی‌گردد، یک پدر که در میان ویرانه‌های غزه به دنبال تکه‌ای نان برای فرزندش است و... سازمان جهانی غذا در گزارش خود از بحران گرسنگی در غزه خبر داده و اعلام کرده است که بیش از یک سوم مردم در غزه چندین روز به غذا دسترسی ندارند. یونسف در گزارشی اعلام کرده که بیش از یک میلیون کودک فلسطینی که در باریکه غزه محاصره شده‌اند، با سوء تغذیه شدید دست‌وپنجه نرم می‌کنند. علاوه بر آن، ۵۰۰ هزار نفر هم در این باریکه، شرایط مشابهی دارند؛ این یعنی از ۶۰۰ هزار نفری که در جهان با گرسنگی فاجعه‌بار دست‌وپنجه نرم می‌کنند، ۹۵ درصد‌شان اکنون در غزه هستند. این یعنی آنچه اکنون در غزه رخ می‌دهد، یک نسل‌کشی فاجعه‌بار است؛ تصاویری که این روزها از غزه منتشر می‌شود، بیش از هر زمان

صدایشان را می‌شنوی؟ صدای آن‌ها که از دل آوار و ویرانه‌ها فریاد می‌زنند. نه، فریاد نه، صدای خاموششان ناله‌ای است به بلندی تاریخ. آنچه این روزها در غزه وجود دارد، فقط گرسنگی است و قحطی؛ سایه مرگ این بار نه در هیئت بمب، که در قالب گرسنگی بر سر مردم غزه سنگینی می‌کند. اینجا دیگر جنگ اسلحه نیست، جنگ یک تکه نان است. جنگی که کودکان در آن با معده‌های خالی به خواب می‌روند و بسیاری هرگز بیدار نمی‌شوند. شماره‌های وحشتناک در باریکه غزه بالا می‌رود؛ ۱۱۵ نفر بر اثر گرسنگی به شهادت رسیده‌اند. این فقط عدد نیست؛ پشت هریک از این عددها، یک جان عزیز است، یک قلب از تپش افتاده، یک کودک



شیرین
فریاد

قصه غذا غصه غزه

